

اصول محاکمات جزائی و استرداد مجرمین

دعوی عمومی

در موارد تعقیب

الف - در مواردی که مدعی العموم مکلف بتعقیب است

۳ - طرح دعوی از طرف مدعی خصوصی در محکمه جزا

متضرر از جرم باید برای جبران خسارت وارده به محاکم حقوق مراجعه کند. چون دعوی او مالی و حقوقی است صلاحیت محاکم مزبوره مطابق اصول کلی میباشد ولی زبان دیده از جرم میتواند طبق مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۰۵ و ۳۱۱ و سایر مواد قانون اصول محاکمات جزائی دعوی خود را در محکمه جزا طرح نموده و مطالبه ضرر و زیان نماید.

در اینگونه موارد مدعی العموم مکلف است که جنبه عمومی جرم را تعقیب نماید.

علت این امر این است که در محکمه جزا فقط در ضمن رسیدگی بدعوی عمومی میتواند بشکایت مدعی خصوصی رسیدگی نموده حکم دهد و الا طبق مواد ۱۱ و ۱۲ قانون اصول محاکمات جزائی دعوی خصوصی مستقلاً قابل طرح در محکمه جزائی نمیشد.

شکایت مدعی خصوصی در محکمه جزا فقط مدعی العموم را مجبور بتعقیب و مداخله در امر مینماید ولی در اظهار عقیده آزاد بوده مثلاً مدعی العموم میتواند به جهاتی متهم را از مجازات معاف تشخیص دهد یا اینکه عدل انسانی را جرم نداند و در نتیجه تقاضای منع تعقیب او را نماید.

مدعی خصوصی وقتی میتواند در محکمه جزا اقامه دعوی نماید که متهم و مظنون را بشناسد و بهلاوه جرم از درجه خلاف و جنبه باشد ولی بسا اتفاق می افتد که مرتکب معانوم نیست و شاکی خصوصی نمیتواند عرض حال بمحکمه بدهد و یا اینکه جرم از درجه جنایت می باشد در این صورت قبل از طرح دعوی در محکمه جنائی باید تحقیقات مقدماتی از قبیل باز خوئی از متهم و استماع شهود و غیره بعمل آید.

برای اینکه مدعی خصوصی بتواند همیشه و خصوصاً در اینگونه موارد دعوی خود را اقامه نماید و محرز شود که جرائم از نظر جنبه عمومی تعقیب گردد قانون باو حق می دهد که شکایت خود را نزد مستظنی طرح نماید.

در این حال طبق مواد ۶۰ و ۶۳ قانون اصول محاکمات جزائی مستنطق مکلف برسیدگی و تحقیقات بوده و قرار صادر خواهد نمود.

ب - مواردی که مدعی العموم در تعقیب

دعوی عمومی آزاد نیست

اصولاً مدعی العموم باید اشخاصی را که در قلمرو کشور مرتکب جرم میشوند مطابق قانون تعقیب نماید و این حق تعقیب مستلزم شرایط و تشریفات خاصه دیگری نمی باشد.

ولی از طرفی قانون گذار بطور استثناء امکان تعقیب جزائی بعضی از اشخاص را منوط بتحصیل اجازه قبلی نموده و از طرف دیگر تعقیب بعضی از جرائم را موقوف

مصونیت و کلاء فقط راجع به تعقیب جزائی است .

در امور حقوقی و کلاء در حکم سایر اشخاصند و تعقیب در محاکم حقوقی مانعی ندارد بملأه از حصر از وجه اجازه نسبت بجنحه و جنایت چنین استفاده میشود که اگر جرم از درجه خلاف باشد تعقیب جزائی و کلاء ممکنست و تحصیل اجازه مورد ندارد .

تعقیب جزائی وزراء

همانطور که قانون اساسی تعقیب جزائی و کلاء را موکول با اجازه مجلس نموده قانون مزبور و قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه منوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ مراجعات تشریفات خاصه را در باره وزراء اینک مورد تعقیب جزائی واقع میشوند لازم دانسته است .

طبق قانون محاکمه وزراء هر گاه رئیس الوزراء یا وزیر یا کفیل رسمی وزارتخانه در امور مربوطه بشفل و وظیفه خود متهم بارتکاب جنحه یا جنایتی شود مورد تعقیب مجلس شورای ملی واقع خواهد شد صرف نظر از اینکه موقع تعقیب متصدی شغل مزبور باشد یا نه ؟

موجبات تعقیب وزراء عبارتست از :

- ۱ - اعلام کتبی از طرف نمایندگان مجلس .
- ۲ - گزارش مأمورین کشف جرائم .
- ۳ - شکایات افراد که بایستی متکی بر قرائن و اماراتی باشد که دلالت بر وقوع جرم داشته باشد .

پس از اینکه کمیسیون عدلیه تحقیقات ابتدائی را از قبیل رسیدگی با اسناد امدارک و خواستن توضیحات از متهم و سایر اشخاص بعمل آورد و اظهار نظر و مجرمیت متهم نمود پرونده بوزارت عدلیه ارجاع می شود .

سپس مدعی العدم دیوان عالی تمیز قضیه را تعقیب می نماید .

محاکمه وزراء در هیئت عمومی دیوان عالی تمیز با حضور تمام مستشاران بعمل خواهد آمد .

شکایت مدعی خصوصی و بالاخره رسیدگی بقسمت دیگری از جرائم را منوط بحل بعضی از مسائل دیگر کرده است (موارد اناطه) .

راجع بقسمت اول و دوم در اینجا بحث بنمائیم و موضوع اناطه را بطور مفصل و مشروح بعد آریسان خواهیم کرد .

۱ - مواری که تعقیب دعوی عمومی منوط با اجازه است

تعقیب جزائی نمایندگان مجلس شورای ملی

مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی ایران تعقیب نمایندگان مجلس شورای ملی که مرتکب جنحه یا جنایتی میشوند منوط با اجازه و اطلاع مجلس میباشد و حتی اگر جرائم مزبوره را بطور آشکار و مشهود مرتکب گردند و در حین ارتکاب دستگیر شوند باز اجرای مجازات در باره آنان باید با اطلاع و استحضار مجلس صورت گیرد .

نه فقط مدعی العموم نمی تواند نمایندگان را قبل از تحصیل اجازه و سلب مصونیت تعقیب نماید بلکه مدعی خصوصی نیز نمی تواند بمحکمه جزا مراجعه کرده و مطالبه خسارت کند زیرا محکمه مزبور صالح برای رسیدگی جز ضمن رسیدگی بدعوی عمومی که طرح آن بدون اجازه مجلس ممکن نیست نمیشد .

فلسفه این امتیاز شخصی اینست که و کلا باید در انجام وظیفه آزاد و مستقل بوده و از تعقیبات بی مورد و بی اساس که موجب سلب آزادی آنانست مصون باشد . بهمین علت مصونیت آنان مطلق و بدون قید است و در تمام موارد اعم از اینکه جرائم انتسابی مربوط بوظیفه باشد یا غیر آن .

دعوی جزائی در محکمه اقامه شده باشد یا نزد قاضی تحقیق - اجازه قبلی مجلس شورای ملی الزامی است .